

بررسی مسئولیت کیفری اطفال در حقوق ایران و افغانستان

سرور حیدری^۱

چکیده

کودکان و نوجوانان عناصر و چرخانندگان اصلی جامعه آینده هستند که مراقبت و حمایت از آن‌ها و سرمایه‌گذاری برای رشد و تربیت آن‌ها در حقیقت نوعی اقدام بسیار مهم در ساخت جامعه‌ای سالم می‌باشد. کودکان و نوجوانان عضوایی هستند که شاید اهمیت چندانی به آن‌ها داده نشود در حالی که با آسیب‌های ناشی از غفلت تمامی عناصر تأثیرگذار در رشد و تربیت روحی و فکری آن‌ها از خانواده گرفته تا قانونگذار و عدم توجه سایر نهادها در خصوص آن‌ها نه تنها باعث تباهی این شکوفه‌های پاک می‌شود بلکه آینده هر سرزمین را نیز به خطر می‌اندازد و نیروهای امنیتی و انتظامی و دولت را متحمل هزینه‌های گزاف برای جبران جرم و جنایات‌های آن‌ها می‌نماید. بررسی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در هر کشوری لازم و ضروری است. از این رو در این پژوهش مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و عوامل بزهکاری آنان با توجه به کود جزا و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در قوانین ایران و افغانستان نشانه‌هایی از پذیرش سیاست جنایی افتراقی در ارتباط با بزهکاری اطفال و نوجوانان نمایان است.

کلید واژه‌ها: مسئولیت کیفری، طفل، نوجوان، حقوق ایران، حقوق افغانستان.

مقدمه

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری است. نظام پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام کیفری ایران و افغانستان همواره دارای فراز و نشیب‌های متعددی بوده است. ارائه ملاک مشخص برای آغاز دوره‌ای که با شروع آن با فرد همانند بزرگسالان برخورد می‌شود و مسئولیت کیفری تام دارد، در هر نظام حقوقی از جمله حقوق کیفری ایران و افغانستان امری ضروری است. در حقیقت اگر مسئله سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان را به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات حقوق اطفال معارض با قانون قلمداد کنیم سخنی نابه‌جا نگفته‌ایم، زیرا با تعیین این محدوده سنی، کلیه افراد مشمول آن را واجد مسئولیت و به تبع آن مستحق مجازات می‌شناسیم.

کودکانی که به سن معینی نرسیده‌اند در همه نظام‌های حقوقی فاقد مسئولیت کیفری هستند. پس از رسیدن به آن سن نیز تا زمان رسیدن به سن مسئولیت کامل کیفری، برخورد متفاوتی با آنان نسبت به افراد بزرگسال می‌شود و گاه اثبات جرم آن‌ها از نظر قانون دشوارتر است. (پوپل، ۲: ۱۳۹۹)

امروزه در قلمرو حقوق کیفری، طفل دیگر فردی بزرگ اما در ابعادی کوچک نیست، بلکه فردی مستقل است که شخصیت، روان و جسم وی در حال شکل‌گیری و رشد است، به همین دلیل در برابر بزهکاری آسیب‌پذیر است. جداسازی حقوق کیفری اطفال و نوجوانان از دیگر شاخه‌های حقوق کیفری به دلایل متعددی وابسته است که عمدتاً در آموزه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسانه ریشه دارند.

این امر نخستین بار تحت تأثیر اندیشه‌های مکتب تحقیقی در ششمین کنگره انسان‌شناسی جنایی مورد توجه قرار گرفت. در کنگره مذکور توصیه شده بود که قاضی باید بتواند به حسب شرایط فردی - اجتماعی هر طفل و نوجوان، اقدام‌ها و تدابیر متنوع نسبت به او استفاده کند و هر گونه رفتار اصلاحی در قبال طفل باید بر اساس سابقه معاینات پزشکی - روان‌شناختی و بررسی سوابق خانوادگی و نیاکان او باشد. این سیاست افتراقی بعدها با تصویب قوانین خاص مربوط به بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق داخلی کشورها و تصویب اسناد بین‌المللی و اعلامیه‌های

جهانی نظیر اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹، قواعد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن) ۱۹۸۵، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (قواعد ریاض) و... به مرحله تکامل رسید.

۱. مفهوم مسئولیت و مسئولیت کیفری

«مسئولیت»، کلمه‌ای عربی است که معنای فارسی آن پاسخگویی میباشد. مسئولیت از مصدر سؤال گرفته شده و سؤال به معنی پرسیدن، درخواست کردن و بازخواست کردن است که از این سه معنی، معنی سوم (بازخواست کردن) بیشتر به این بحث مرتبط است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۴۵)

در فرهنگ معین ذیل کلمه «مسئولیت» آمده است: آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن می‌باشد. (معین، ۱۳۶۰: ۴۰۲)

مسئولیت در اصطلاح حقوقی نیز از معنای لغوی خود دور نشده و عبارت است از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی که عرفاً به او استناد داده می‌شود. با توجه به مفهوم لغوی مسئولیت که همان پاسخگویی است، مفهوم اصطلاحی آن هم چندان تفاوتی با آن ندارد. حقوقدانان در تعریف مسئولیت گفته‌اند که مسئولیت عبارت از پاسخگویی شخص در قبال اعمالی می‌باشد که عرفاً به او استناد داده می‌شود که ضمانت اجرای قانونی آن بر اساس نوع مسئولیت متفاوت می‌باشد. برای مثال در امور جزایی، مسئولیت عبارت از تحمل مجازات قانونی مترتب بر جرم می‌باشد. (گنجی، ۱۳۹۸: ۷۹)

همچنین در تعریف مسئولیت آمده است که «مسئولیت عبارت است از رسیدن به حد کمال جسمی و فکری که علت یک عامل داخلی مختل نشده باشد، در حالی ممکن است رشد جسمی و فکری مرتکب الزاماً مترادف با مسئولیت نباشد».

مسئولیت کیفری گاهی مبتنی بر خطا و تقصیر مرتکب است که مجازات را در پی دارد و گاهی مبتنی بر خطرناک بودن مجرم است که مستوجب اقدامات تأمینی خواهد بود. مسئولیت کیفری امری جدا از عناصر عمومی جرم (عنصر قانونی، مادی و معنوی) است. بنابراین شخص ممکن است جرمی را با همه عناصر آن انجام

دهد، اما مسئولیت کیفری نداشته باشد. مثلاً طفل ممیزی که مرتکب سرقت می‌شود، عمل ربودن مال غیر را انجام داده است و عمل او از نظر قوانین جزایی، جرم است و ارادی نیز می‌باشد، اما از آنجا که طفل، فاقد قدرت تشخیص است، مسئولیت کیفری ندارد و در عمل انجام شده به عنوان جرم، نقضی وجود ندارد. بلکه نقض، مربوط به مرتکب جرم است. (زراعت، ۱۳۸۵: ۳۰۹)

در اسلام عمل مجرمانه اختصاص به انسان دارد و غیر انسان (حیوان) به دلیل فقدان عقل و آگاهی هرگز مجرم تلقی نمی‌شود، هرچند جلوگیری از رفتار زیانبار او لازم است. از طرف دیگر انسان مجرم تا هنگامی مستحق مجازات است که در قید حیات باشد و با مرگ او اعمال هرگونه مجازات و حتی بی‌احترامی به جسم او ممنوع است.

اسلام در خصوص مسئولیت کیفری نیز در دیدگاهی واقع بینانه شروطی را برای تحقق آن پیش بینی کرده است که در صورت فقدان هر یک از آن‌ها مسئولیت کیفری منتفی خواهد گردید، یا با وجود مسئولیت کیفری در مواردی، مجازات با مانع برخورد نموده، اعمال نخواهد شد.

از دیدگاه اسلام بلوغ و عقل و علم و آگاهی، اراده آزاد و اختیار، هوشیاری و بیداری، مهم‌ترین شرط‌های تحقق مسئولیت کیفری هستند. بنابراین، انسان صغیر (طفل و کودکان)، مجنون و... هرگز مسئولیت کیفری نداشته و قابل مجازات نیستند. در مورد علت عدم مسئولیت کیفری طفل ممکن است گفته شود که رفتار این اشخاص رفتاری ارادی نیست، بنابراین همچون حیوانات که اراده ندارند فاقد مسئولیت کیفری هستند. همچنین ممکن است گفته شود که این اشخاص فاقد عنصر معنوی جرم هستند، لذا عملی که انجام می‌دهند به علت فقدان شرایط جرم، عمل مجرمانه به حساب نمی‌آید. هر دو دیدگاه فوق قابل پذیرش نیست، زیرا صغیر (اطفال و نوجوانان) نیز دارای اراده هستند اما اراده آنان با همراه با تمیز و تشخیص نیست و اصولاً قانونگذار اراده‌ای را معتبر می‌داند که همراه با تمیز و تشخیص باشد. (پوپل، ۱۳۹۹: ۱۸)

۲. مفهوم طفل

شخصیت اصلی و محور مقاله حاضر در رابطه با طفل و نوجوانی است. پس وقتی سخن از بزهکاری اطفال به میان می‌آید لازم است بدانیم طفل به چه کسی اطلاق می‌شود بنابراین تعیین حدود سنی با توجه به مواد قانونی برای شناختن مرزهای کودکی و نوجوانی و جوانی بسیار حائز اهمیت است و ابزار کلیدی ما برای پیمودن ادامه این مسیر آشنایی با مفهوم کودک و نوجوان است تا بدانیم قانونگذار ایران و افغانستان به چه گروه سنی به عنوان کودک و نوجوان می‌نگرد.

«طفل» در لغت به معنای خُرد و کوچک است (معین، ۱۳۶۰: ۲/ ۲۳۵) و در اصطلاح فقهی و حقوقی به کسی که به سن بلوغ نرسیده است «طفل» می‌گویند. به عبارتی فرزند انسان از زمانی که متولد می‌شود تا هنگامی که به بلوغ می‌رسد «کودک» یا «صغیر» نام دارد که معادل این کلمات در زبان عربی «طفل» است و در «مصباح المنیر» نیز این چنین بیان شده است که فرزند صغیر انسان را طفل می‌نامند. (موسوی، ۱۳۹۳)

حال با توجه به اینکه می‌گوییم کودک کسی است که به سن بلوغ نرسیده، باید بدانیم چه سنی به عنوان سن بلوغ در نظر گرفته شده است.

اکثر فقهای امامیه به استناد پاره‌ای از روایات سن بلوغ را در پسران ۱۵ سال و در دختران ۹ سال تمام قمری می‌دانند و با توجه به این موضوع که قانون جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر فقه امامیه تدوین شده است در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری ذکر شده است. (قانون مدنی ایران)

بنابراین طفل دختر بر اساس قوانین ایران زیر ۹ سال سن دارد و در پسران طفل فردی است که زیر ۱۵ سال سن دارد، اما حنفی‌ها سن بلوغ در پسر را ۱۸ سال و دختر را ۱۷ سال می‌دانند و با توجه به اینکه قانون جمهوری اسلامی افغانستان بر پایه فقه حنفی استوار است این سن ملاک تشخیص بلوغ در افراد محسوب می‌شود. در قانون مدنی افغانستان صراحتاً ماده‌ای در رابطه با سن بلوغ وجود ندارد اما به نحوی از ماده ۷۰ قانون مدنی این کشور می‌توان این موضوع را برداشت نمود.

در هر صورت در کشور افغانستان در سال ۱۳۸۳ قانونی تحت عنوان قانون رسیدگی به تخلفات اطفال تصویب شده است که در ماده ۴ آن طفل به شخصی می‌گویند که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده است و سپس اطفال را به سه گروه سنی تقسیم نموده است:

۱. طفل غیر ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد؛

۲. طفل ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده است؛

۳. طفل نوجوان: شخصی است که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد. (حبیبی، ۸۲: ۱۳۹۰)

علاوه بر این، مواد ۷۰ و ۷۱ قانون جزای افغانستان نیز این تقسیم‌بندی را با بیانی دیگر ذکر نموده است. بر اساس ماده ۷۰ قانون جزای افغانستان، «صغیر» به طفلی اطلاق می‌گردد که بین سن هفت و سیزده سالگی کامل قرار داشته باشد و به استناد ماده ۷۱ همین قانون: «مراهق به شخصی اطلاق می‌گردد که سن سیزده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد». (قانون جزای افغانستان)

به هر حال آنچه به عنوان جمع‌بندی از تعریف مفهوم «طفل» می‌توان اذعان داشت این است که قانون رسیدگی به تخلفات اطفال یک قانون خاص و قانون جزا از قوانین عام محسوب می‌شود و هنگام تعارض در مواد قانونی، قانون خاص مقدم بر قانون عام خواهد بود؛ پس در تعریف طفل همان گونه که در ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال اشاره شده است طفل شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده است. (قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، ۱۳۸۳)

قابل ذکر است که پیمان‌نامه‌ای با نام پیمان‌نامه «حقوق کودک» به عنوان یک سند بین‌المللی در سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و اکثریت کشورها از جمله ایران آن را امضا و تصویب نموده‌اند. طبق ماده یک این کنوانسیون:

منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از هجده سال سن است مگر اینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تعیین شده باشد.

حال با وجود اینکه این پیمان نامه توسط ایران هم امضا شده بود، اما سرانجام قانونی تحت عنوان «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» تصویب شد که بر اساس ماده یک این قانون طفل هر فردی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. در نتیجه طبق ماده چهار قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، طفل هر شخص زیر ۱۸ سال است و بر اساس ماده یکم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران، «طفل» شخصی است که به سن بلوغ نرسیده است (یعنی دختران تا زیر ۹ سالگی و پسران زیر ۱۵ سالگی طفل محسوب می‌شوند).

۳. مفهوم نو جوان

یکی دیگر از شخصیت‌های اصلی که در این پژوهش با آن روبه‌رو هستیم «نوجوان» است. قبل از ورود به هر بخش لازم و ضروری است که با مفهوم این لغت آشنا شویم و دریابیم از نظر قانونگذار ایران و افغانستان، به چه فردی «نوجوان» اطلاق می‌شود. در ابتدا به بررسی این واژه در لغت می‌پردازیم:

کودک مراهق یا همان نوجوان به دختر و پسری می‌گویند که نزدیک به احتلام و در شرف بلوغ است و در «لسان العرب» بیان شده است که مراهق به کودک ۱۰-۱۱ ساله می‌گویند، اما مهم‌ترین چیزی که ما به آن نیاز داریم تعریف قانونگذار از واژه «نوجوان» است تا با حدود مسئولیت کیفری افراد آشنا شویم.

طبق ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان: طفل نوجوان شخصی است که سن ۱۲ سالگی را تکمیل و سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد، پس در حقیقت طبق این تعریف اطفال از ۱۲-۱۸ سالگی «نوجوان» نامیده می‌شوند. همچنین در ماده ۷۱ قانون جزای افغانستان نیز تعریفی از «مراهق» یعنی همان نوجوان آمده است که بیان می‌دارد: نوجوان کسی است که سن ۱۳ سالگی را تکمیل و ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد. حال می‌بینیم که قانون تخلفات اطفال سن ۱۲ الی ۱۸ سال را «نوجوان» نامیده و قانون جزای افغانستان سن ۱۳-۱۸ را «نوجوان» می‌نامد.

در این بین از آنجایی که قانون تخلفات اطفال یک قانون خاص و قانون جزا یک قانون عام است، پس قانون خاص در این مورد بر قانون عام ارجحیت دارد. طبق این

اصل نوجوان کسی است که سن ۱۲ سالگی را تکمیل و ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد.

حال به سراغ تعریف قانونگذار ایران از واژه «نوجوان» می‌رویم. طبق بند دوم ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳، «نوجوان» هر فرد زیر ۱۸ سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است می‌باشد. پس در نتیجه می‌توانیم بگوییم «نوجوان» در قانون افغانستان هر فردی که سن ۱۲ تا ۱۸ سال باشد نام دارد و در قانون ایران بین دختر نوجوان و پسر نوجوان تفاوت وجود دارد و دختر نوجوان ۹ الی ۱۸ سال و پسر نوجوان ۱۵ الی ۱۸ سال سن دارد.

۴. مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در نظام حقوق کیفری ایران با چالش‌ها و فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده و در سیر تاریخی سیاست تقنینی، تحولات قابل توجهی را در قبل و بعد از انقلاب سپری کرده است. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، مواد ۳۴ تا ۳۸ مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار را مطرح و مجازاتی را برای بزهکاری این دسته مقرر کرده بود. این قانون در عمل موفقیت زیادی کسب نکرد به همین دلیل قانونگذار در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار را به تصویب رساند که به دلایلی همچون عدم توجه به تناسب جرم و مجازات با انتقاد مواجه شد.

دو قانون فوق با دسته‌بندی اطفال و نوجوانان به سه گروه سنی و پیش بینی تدابیر و واکنش‌های ویژه برای هریک از این گروه‌ها در مسیر تدوین و اجرای یک سیاست جنایی افتراقی نسبت به این دسته از بزهکاران گام نهادند، که البته از موفقیت چندانی برخوردار نشدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تغییرات گسترده‌ای در قوانین و مقررات کیفری ایران ایجاد شد و مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان نیز از این قاعده بی‌نصیب نبود. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که سال‌ها به عنوان قانون آزمایشی در کشور اجرا می‌شد، فرصتی را ایجاد کرد تا ابهامات و اشکالات آن مورد توجه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان قرار گرفته و معایب آن آشکار گردد.

از مهم‌ترین ایرادهای وارده بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ این بود که دو مقوله سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ را یکسان تلقی کرده بود و بر اساس آن، طفلی که به سن نه یا پانزده سالگی می‌رسید بلافاصله از فردای روزی که وارد سن جدید می‌شد، دارای مسئولیت تام کیفری محسوب شده و واکنش اجتماعی نسبت به وی همچون سایر افراد بزرگسال جامعه بود.

بدین ترتیب نقدهای فراوانی متوجه مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان شد. سرانجام، تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تلاش کرده‌اند تا ضمن شناسایی آسیب‌های موجود، نسبت به رفع آن‌ها نیز اقدام نمایند. از مهم‌ترین نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تفکیک بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری در ارتکاب با جرایم تعزیری توسط اطفال و نوجوانان است. برای تحقق جرم، وجود دو عنصر مادی و معنوی لازم است؛ اما اصل قانونی بودن جرم و مجازات، به عنوان رکن موازی ارکان مادی و معنوی قابل طرح نمی‌باشد، بلکه هم عنصر مادی و هم عنصر روانی، مبتنی بر قانون هستند و رابطه بین عنصر قانونی دو عنصر مادی و معنوی یک رابطه‌ی طولی است نه عرضی. (پارساپور، ۷۶: ۱۳۹۴)

به اعتقاد غالب حقوقدانان، وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است، برای احراز مجرمیت بزهکار کافی نیست، بلکه او باید از نظر روانی یا به ارتکاب جرم انجام یافته عمد و قصد داشته باشد (جرایم عمومی)، یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند، خطایی انجام دهد که بتوان او را مستحق مسئولیت جزایی شناخت (جرایم عمد).

«قصد مجرمانه» عبارت است از قصد به انجام فعل یا ترک فعلی که قانون آن را نهی کرده است. دین مبین اسلام مسئولیت انسان را با توجه به شرایط عمومی تکلیف، با عنایت به ویژگی‌های مادی و معنوی انسان در نظر گرفته است و از جمله این شرایط، عقل، اختیار و بلوغ است.

«مسئولیت کیفری» عبارت است از الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج جرم؛ و برای اینکه شخصی قابل مجازات باشد، باید از روی اختیار، فعل مجرمانه را انجام داده باشد و باید بتوان قصد و تمایل وی را به تحقق جرم، احراز نمود. یعنی فرد

توانایی انجام وظیفه را داشته باشد و جرم قابل انتساب به مجرم باشد. به همین جهت کودکی همانند جنون، از عوامل رافع مسئولیت کیفری دانسته شده است، زیرا شرط تقصیر، خواستن و دانستن است؛ پس عواملی که در تقصیر مؤثر باشد، کیفیاتی است که خواستن و دانستن از آن متأثر می‌گردد.

به هر حال مطابق ماده ۱۴۷ ق. م.ا و سایر قوانین موضوعه و رویه قضایی ایران، در حال حاضر، «کودک» کسی است که به حد بلوغ شرعی (۹ سال و ۱۵ سال تمام قمری) نرسیده باشد و دختران بالای ۹ سال و پسران بالای ۱۵ سال دارای مسئولیت کیفری هستند. اگرچه قانون مجازات اسلامی در تبصره ۱ ماده ۴۹، اصل را بر عدم مسئولیت کیفری اطفال قرار داده است، اما بر این اصل، استثنائاتی وارد کرده که با توجه به انواع مجازات‌های ذکر شده در قانون، قابل تعمق است.

وفق ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های مندرج در این قانون چهار قسم است؛ حدود، قصاص، دیات و تعزیرات. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)

«حدود» به مجازاتی اطلاق می‌گردد که کیفیت، میزان و نوع آن در شرع تعیین شده است که هرگز طفل به آن محکوم نمی‌شود. بر اساس قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در مورد جرایم مستوجب حد و همچنین قصاص، سن بلوغ شرعی که طبق نظر مشهور فقهای امامیه ۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران است، به عنوان سن بلوغ کیفری در نظر گرفته شده است و به این ترتیب در این جرایم، دختر بعد از سن نه سال و پسر بعد از سن پانزده سال تمام قمری مسئولیت کیفری کامل پیدا می‌کند.

پس بر اساس این قانون سن بلوغ کیفری یا سن مسئولیت کیفری تام در جرایم مستوجب حد و قصاص کمتر از جرایم تعزیری است.

همچنین قانونگذار با وجود تعیین سن بلوغ شرعی به عنوان سن بلوغ کیفری در جرایم حدی و قصاص، برای افزایش عملی سن بلوغ کیفری در این جرایم در ماده ۹۱ ق.م.ا به قاضی این اختیار داده شده است تا در صورتی که تشخیص دهد مرتکب بالغ زیر هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نمی‌کند و یا در رشد و کمال عقلی وی شبهه وجود دارد حد یا قصاص را از او ساقط نماید. به بیانی دیگر، می‌توان ادعان داشت که اجرای حد و قصاص نسبت به مرتکبین بالغ زیر

هجده سال را مشروط به احراز رشد کیفری یا کمال عقلی دانسته است. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)

قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد. کودک به زعم قانون مجازات اسلامی قصاص نمی‌شود و چنانچه جنایتی که مستحق قصاص است انجام دهد، مطابق تبصره ماده ۳۰۶ ق.م.ا جنایت عمدی وی در حکم خطای محض بوده و عاقله وی مسؤول پرداخت دیه، یعنی جبران خسارت جنایت صورت گرفته توسط غیر بالغ هستند.

همچنین در مواردی که طفل توسط شخص کبیری، اکراه به ارتکاب قتل می‌شود، مقنن طفل را چه ممیز و چه غیر ممیز، از قصاص معاف دانسته و مطابق تبصره‌های ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی اگر طفل غیر ممیز در اثر اکراه مرتکب قتل عمد شود، فقط اکراه کننده قصاص می‌شود و چنانچه اکراه شونده، طفل ممیز باشد که حسن و قبح عمل خویش را تشخیص می‌دهد، عاقله طفل به پرداخت دیه محکوم گردیده و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)

دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است. در ماهیت حقوقی دیه، اختلاف نظر است؛ عده‌ای دیه را مجازات دانسته و بر نظر خود این‌گونه استدلال می‌کنند که مواد ۱۳ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، دیه را در ردیف مجازات‌ها قید نموده است، لذا هر گونه سخنی خلاف آن، اجتهاد خلاف نص است.

موارد پرداخت دیه عبارت است از قتل یا صدمات ناشی از خطای محض، قتل یا صدمات ناشی از شبه عمد و در حکم شبه عمد و مواردی از جنایات عمدی که قصاص در آن‌ها جایز نمی‌باشد.

تبصره ۲ ماده ۳۷۵ و ماده ۴۶۵ ق.م.ا جنایت عمدی و شبه عمدی نابالغ را به منزله خطای محض دانسته و عاقله را مسؤول پرداخت دیه نموده است. همچنین وفق ماده ۴۶۶، عاقله صرفاً مسؤول پرداخت دیه قتل و جراحات موضعه و کمتر از آن است و مطابق ماده ۴۶۳ قانون مجازات اسلامی، در قتل خطای محض، در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه به عهده عاقله

است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند و قسامه ثابت شود، به عهده خود اوست.

بنا بر مواد ذکر شده، چنانچه فردی مرتکب صدمات خطای گردد، دیه جراحات بالاتر از موضعه را خود باید پردازد. اما در مورد صغیر، چنانچه مرتکب قتل و جرح و ضرب شود، عاقله ضامن است، لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و ادای آن از مال طفل به عهده ولی طفل است. با توجه به کلیت ماده فوق، دیه قتل و ضرب و حرج ارتكابی توسط غیر بالغ (صرف نظر از میزان صدمات وارده و طریقه اثبات جرم) به عهده عاقله اوست. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)

بنابراین قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ با ادواربندی سنین کودکی و نوجوانی برای گروه‌های سنی مختلف، پاسخ‌های متنوعی نسبت به ارتکاب جرایم تعزیری پیش‌بینی کرده و مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان را در این نوع جرایم تابع نظام تدریجی نموده است.

با توجه به مراتب مشروحه باید گفت، قانونگذار در خصوص طفل بزه‌کار، اجرای مجازات را در جرایم حدی و جرایم مستوجب دیه و قصاص جایز ندانسته و صرفاً در جرایم تعزیری به علت جنبه تأدیبی آن، در مواردی خاص، امکان تعزیر و تأدیب طفل را فراهم آورده است که صرفاً برای پیشگیری از تکرار جرم است. (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)

۵. مسئولیت کیفری اطفال در حقوق افغانستان

قانونگذار افغانستان نیز ارتکاب جرم از سوی صغیر را ممکن می‌داند. (ماده ۸۸ و ۹۶ کدجزای افغانستان) به ارتکاب جرم از سوی اطفال و نوجوانان اشاره دارد؛ یعنی عملی که آن‌ها انجام می‌دهند، جرم است، اما فاقد مسئولیت کیفری هستند.

در منابع شرعی نیز مانند حدیث رفع قلم مسئولیت کیفری از دوش این اشخاص را برداشته‌اند. مشخص شد که بر اساس حدیث «رفع قلم»، و ماده ۹۶ کود جزای افغانستان، اطفال زیر ۱۲ سال و نیز ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی دخترانی که ۹ سال و پسرانی که ۱۵ سال قمری را تمام نکرده باشند، مسئولیت کیفری نداشته و

مورد مجازات قرار نمی‌گیرند، اما طفل نوجوان که ۱۲ سال را تکمیل نموده باشد، در حقوق جزای افغانستان دارای مسئولیت کیفری شناخته شده است. (پوپل، ۱۸: ۱۳۹۹)

حال ممکن است این سوال مطرح شود، وقتی که کودکان مسئولیت کیفری ندارند باید به حال خودش رها شود؟ در جواب می‌توان گفت عدم مسئولیت جزایی اطفال به این معنی نیست که آنان کاملاً رها شوند، بلکه دادگاه با توجه به اوضاع و احوال، ممکن است طفل را به عهده سرپرست او بگذارد و چنانچه لازم بداند این وظیفه را به عهده کانون اصلاح و تربیت اطفال قرار دهد. چنانکه قانونگذار افغانستان در ماده ۱۰۹ کود جزا، بیان می‌کند که:

هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه یکی از تدابیر احتیاطی زیر را در برابر وی اتخاذ می‌کند: تسلیم به والدین، حجز در منزل، فرستادن به مؤسسه‌های خدمات اجتماعی، حبس در بخش باز و یا بسته مرکز اصلاح و تربیت و... .

همچنین قانونگذار ایران در ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که «در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود». بنابراین دادگاه براساس صلاح دید لازم اقدامات تأمینی و تربیتی را انجام می‌دهد.

به منظور حمایت قضایی از اطفال بزهکار بند ۳ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو را توصیه نموده است که اقدامات قانونی در جهت تعیین حداقل سن برای نقض قانون کیفری به گونه‌ای که کودک زیر این سن، دارای قدرت نقض قانونی پنداشته نشود، انجام دهند. در این بند آمده است:

کشورهای عضو در جهت افزایش وضع قوانین و مقررات و تأسیس مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم، یا مجرم به نقض قانون کیفری باشند، تلاش خواهند کرد و خصوصاً اقدامات ذیل را معمول خواهند داشت:

أ) قائل شدن حداقل سن برای نقض قانون کیفری به نحوی که زیر این سن، کودک فاقد مسئولیت کیفری باشد. سیستم کیفری اطفال در

سیستم‌های کیفری کشورهای مختلف متفاوت است و هر کشور بر حسب وضعیت خاص اجتماعی، آداب و رسوم ملی و مذهبی و عوامل دیگر تعیین می‌نماید. در تعدادی از کشورها از نظر قوه تمییز، بین اطفال تفاوت قایل شده‌اند به گونه‌ای که اطفال ممیز دارای مسئولیت کیفری می‌باشند و اطفال غیر ممیز مسئولیت کیفری ندارند.

این بحث در قوانین افغانستان با عنوان «حجز» پذیرفته شده است. به همین خاطر ماده پنجم قانون تخلفات اطفال مقرر کرده است: شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم مسئولیت جزایی به او راجع نمی‌شود. کد جزای جدید افغانستان به صورت مشروح طفل بزرگ‌تر از سن دوازده سالگی را محکوم به حجز می‌نماید. ماده ۹۷ این کد مقرر کرده است:

طفلی که ۱۲ سال را تکمیل و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ‌تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده، محکوم نمی‌شود. ماده ۹۸ این قانون در مورد اطفال سن ۱۶-۱۸ مقرر کرده است:

طفلی که ۱۶ سال را تکمیل اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ثلث حداکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ‌تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده است، محکوم نمی‌شود.

باید اذعان کرد که تمامی این مجازات‌ها بر طبق ماده ۱۰۰ کد جزا در مرکز اصلاح و تربیت اطفال به صورت حجز تطبیق می‌گردد که حجز در بند ۵ ماده ۴ قانون تخلفات اطفال تعریف شده است:

حجز عبارت است از تحدید آزادی طفل محکوم در مراکز اصلاح و تربیت اطفال. آنچه که در کشورها معمول است این است که اطفال به اعدام محکوم نمی‌گردد؛ این حد سنی در هر کشور، مختلف است، مانند اینکه در جاپان ۲۰ سال، نیجریه ۱۷ سال و همین در سنگاپور ۱۶ سال می‌باشند. (ابدالی، ۱۳۷۴)

در افغانستان نیز بر طبق ماده ۹۹ کد جزا اطفال به جزای اعدام و نقدی محکوم نمی‌گردد.

قانون مجازات در ماده ۸۸ مقرر می‌دارد که اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

۱. تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. با ملاحظه مفاد این ماده ملاحظه می‌شود که:

اولاً مقنن سن نوجوانی را از سن کودکی تفکیک نموده به نحوی که دختران در سن کمتر از ۱۲ سالگی طفل بوده و از ۱۲ سالگی به بعد نوجوان محسوب می‌شوند و پسران نیز تا ۱۵ سالگی طفل هستند، چرا که سن بلوغ برای آنان ۱۵ سال تمام قمری تعیین شده است. به هر حال، برای پسران از سن ۱۲ سالگی به بعد عنوان نوجوان اطلاق می‌گردد.

ثانیاً اگر چنین اطفال و نوجوانانی مرتکب جرایم تعزیری شوند، معاف از مسئولیت بوده و نمی‌توان آنان را محکوم نمود، بلکه در صورت ارتکاب جرم بایستی جهت تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق به والدین یا اولیاء و یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد کتبی تسلیم شوند. در صورتی دادگاه تشخیص دهد که والدین یا اولیاء آن‌ها، صلاحیت تربیت و مواظبت از حسن اخلاق طفل یا نوجوان را ندارند یا محیط خانوادگی طفل به نحوی است که امکان تربیت او در آن امکان پذیر نمی‌باشد در این صورت، دادگاه می‌تواند آنان را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری تسلیم نماید.

۲. تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (۱) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی.

۳. نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

۴. اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

۵. نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج از مواد جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی فوق نکات ذیل برداشت می‌شود:

- مسئله بزهکاری اطفال دارای اهمیت بسزایی است، زیرا از یک طرف باید جامعه را از جرایم بزهکاران و نوجوان مصئون نگاه داشت و از طرف دیگر باید جهت اصلاح و تربیت اطفال بزهکار، اقدامات موثری به عمل آورد.

- به موجب مواد ذیل اطفال بزهکار به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. در کود جزای افغانستان اطفال کمتر از ۱۲ سال و در قانون مجازات اسلامی اطفال کمتر از ۹ سال شمسی مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری می‌باشند و حسب اشعار ماده ۹۶ کود جزای افغانستان و ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات تأمینی و تربیتی در خصوص ایشان اعمال می‌گردد.

۲. برخورد با اطفال و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم در افغانستان زیر ۱۲ سال و ۱۲ - ۱۸ سال و در ایران ۹ - ۱۵ سال شمسی سن دارند با توجه به نوع جرم ارتكابی و سن دقیق متفاوت است.

در حقوق جزای افغانستان اولاً هرگاه طفل مرتکب قباحت گردد، محکمه می‌تواند به عوض حجز به وی اخطاریه صادر و یا او را به والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی تسلیم نماید. در این حالت والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی طفل مکلف است حسن تربیت طفل را کتباً تعهد نماید. هرگاه والدین بنا بر دلایلی حسن تربیت را به عهده نگیرند، محکمه طفل را به یکی از مؤسسات که به این منظور ایجاد گردیده، تسلیم می‌نماید. (ماده ۱۱۲ کود جزای افغانستان)

ثانیاً هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه وی به ترتیب به سپردن به والدین، حجز در منزل، فرستادن به مؤسسه‌های خدمات اجتماعی و حجز در بخش باز یا بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال، محکوم می‌نماید. (ماده ۱۰۹ کود جزای افغانستان)

ثالثاً هرگاه طفل مرتکب جنایت گردد، با توجه به سن آنان برخورد محکمه متفاوت خواهد بود: طفلی که ۱۲ سال را تکمیل اما ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در

صورت ارتکاب جنایت به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط بزرگسالان تعیین گردیده، محکوم می‌شود. طفلی که ۱۶ سال را تکمیل اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ثلث حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط بزرگسالان تعیین گردیده، محکوم می‌شود.

در حقوق جزای ایران اولاً در جرایم تعزیری اگر مرتکب ۹ تا ۱۲ ساله باشد، مشمول تصمیمات بند ۱ تا ۳ ماده فوق خواهند شد.

ثانیاً در جرایم تعزیری، اگر مرتکب ۱۲-۱۵ ساله باشد، مشمول تصمیمات بند ۱ تا ۵ ماده فوق خواهد شد. تصمیمات بند ۴ و ۵ وفق تبصره ۱ به این گروه اختصاص دارد. اعمال بند ۵ نیز مختص اطفال و نوجوانانی است که مرتکب جرایم تعزیری درجه یک تا پنج شده‌اند.

ثالثاً در جرایم مستوجب حد یا قصاص، مرتکب نابالغ ۹ تا ۱۲ سال قمری به یکی از اقدامات ۱ تا ۵ و ۱۲ تا ۱۵ سال قمری به یکی از اقدامات ۱ تا ۳ محکوم می‌شود.

در حقوق کیفری ایران، نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال شمسی دارند، بسته به ماهیت جرم ارتكابی مشمول یکی از واکنش‌ها می‌گردند:

اولاً در جرایم تعزیری، بسته به درجات تعزیر اشخاص ۱۵ تا ۱۸ ساله به مجازات‌های بند الف تا ث ماده ۸۹ ق.م.ا محکوم می‌شوند.

ثانیاً در جرایم مستوجب حد یا قصاص، اصل بر محکومیت بالغ کمتر از ۱۸ سال به مجازات مقرر در باب حدود و قصاص است، مگر در فرض مقرر در ماده ۹۱ ق.م.ا که در این صورت به جای مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون فوق محکوم می‌شوند.

مفاد مواد ۹۱ و ۸۹ ق.م.ا. در مورد اطفال و نوجوانانی قابل اعمال است که مرتکب جرم تعزیری گردیده‌اند و قانونگذار مبنای تعیین سن را بدون اینکه بین ذکور و اناث تفاوت قایل باشد، سال شمسی قرار داده‌است.

این در حالی است که در ماده ۱۴۷ ق.م.ا. سن مسئولیت کیفری در ذکور ۱۵ سال تمام قمری، معادل ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی و در اناث ۹ سال تمام قمری معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی، قرار داده شده‌است.

بدین ترتیب اقدامات مقرر در این ماده نسبت به پسران صرفاً به عنوان اقدامات تأمینی و در ارتباط با دختران با توجه به مسئولیت کیفری کامل ایشان در این بازه سنی، نوعی مجازات تعدیل شده یا تبدیل شده به اقدامات تأمینی به صورت خاص است.

نتیجه

مسئولیت کیفری گاهی مبتنی بر خطا و تقصیر مرتکب است که مجازات را در پی دارد و گاهی مبتنی بر خطرناک بودن جرم است که مستوجب اقدامات تأمینی خواهد بود.

مسئولیت کیفری چیزی جدا از عناصر عمومی جرم یعنی عنصر قانونی، مادی و معنوی است، بنابراین شخص ممکن است جرمی را با همه عناصر آن انجام دهد، اما مسئولیت کیفری نداشته باشد. به عنوان مثال طفلی که مرتکب سرقت می‌شود عمل ربودن مال غیر را انجام داده است و عملش بر اساس قانون مجازات اسلامی جرم است و ارادی هم می‌باشد، اما از آنجا که طفل فاقد قدرت تشخیص است، مسئولیت کیفری ندارد.

بر اساس کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران برخورد قانونگذار از لحاظ نوعیت جرم و سن متخلف و متفاوت است.

کود جزای افغانستان افراد زیر ۱۲ سال را فاقد مسئولیت کیفری و اطفال نوجوان بالای ۱۲ سال را دارای مسئولیت کیفری دانسته است، اما قانون مجازات اسلامی دختران که ۹ سال و پسران که ۱۵ سال قمری را تمام نکرده باشد فاقد مسئولیت کیفری و از ۱۵-۱۸ سال را دارای مسئولیت کیفری می‌داند.

منابع و مأخذ:

- آبدالی، مهرزاد(۱۳۷۴)، حقوق کودک در کنوانسیون بین المللی و تطبیق آن با حقوق اسلام و ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، استاد راهنما: حسین مهرپور، دانشگاه تربیت مدرس
- پارساپور، زینب(۱۳۹۴)، سیاست جنایی ماهوی در قبال کودکان و نوجوانان بزهکار در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه قضاوت، ش ۹۳.
- پوپل، محمود(۱۳۹۹)، مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان(مطابق کود جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران)، نشریه جغرافیا و روابط انسانی دوره ۳، ش ۲.
- پیمان نامه حقوق کودک سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۸۹.
- ترابی، تکتم(۱۳۹۶)، بررسی مبانی بزهکاری اطفال از دیدگاه جرم شناسی، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر لنگه، پنجمین کنفرانس بین المللی رویکردهای پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.
- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- زارعی، یوسف(۱۳۸۹)، بررسی عوامل اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر همدان با تاکید بر عامل خانواده اولیای مدرسه و گروه دوستان، معاونت امور حقوقی مجلس.
- زراعت، عباس(۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: ققنوس.
- قانون اصول محاکمات مدنی افغانستان مصوب ۱۳۶۹.
- قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸.
- قانون تشکیلات و صلاحیت های محاکم افغانستان مصوب ۱۳۹۱.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ایران مصوب ۱۳۹۹.
- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان مصوب ۱۳۸۳.
- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
- قانون مدنی افغانستان مصوب ۱۳۵۳.
- قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷.

- کدجزای افغانستان مصوب ۱۳۹۵.
- گنجی، مژگان (۱۳۹۸)، مسئولیت مدنی کاربران و سرویس دهندگان فضای مجازی در حقوق ایران و افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه بین المللی اهل بیت علیه السلام.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی معین، چ ۴، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی، سید محمد، حقوق حمایت از اطفال بزه دیده در افغانستان و اسناد بین المللی، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد مقدس.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۶)، دادگاه‌های کیفری رسیدگی کننده به جرم‌های اطفال و نوجوانان، نشریه علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره پانزدهم
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان (فرایند پاسخ‌دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان)، تهران: نشر میزان.